



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

شماره ۲۷۲  
۲۶ مرداد ۱۳۸۴  
۱۷ اوت ۲۰۰۵

# ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## فراخوان کمک مالی فوری به حزب کمونیست کارگری



حمید تقوایی

مردم آزادیخواه! کارگران،  
زنان، جوانان!  
حزب شما، حزب کمونیست  
کارگری با اتکاء به حمایت و  
مبارزه شما، و برای تحقق خواسته  
ها و آرزوهای شما شکل گرفته و

قانون شریعه در کشورهای غربی،  
از به شکست کشاندن پروژه های  
مختلف بقاء جمهوری اسلامی  
گرفته تا قرار گرفتن در  
پیشاپیش اعتراضات و مبارزات  
مردم در همین هفته های اخیر،  
چنین فعالیت گسترده ای را به  
پیش ببرد. اگر در جهان وارونه  
موجود امیدی برای انسانیت،  
برای نجات از نظم نوین جهانی و  
تروریسم اسلامی وجود دارد، این  
حزب قطعا در صف مقدم قرار  
دارد. سرنگونی جمهوری اسلامی  
و برقراری جامعه ای آزاد و برابر  
در ایران که هدف فوری تلاش  
های وقفه ناپذیر حزب ماست، راه  
نجاتی در برابر کل جهان قرار  
میدهد.  
جدی ترین مانعی که اکنون بر

دفاع قاطعانه از برابری زن و مرد  
تا حقوق کودک و مقابله با حجاب  
کودک، از به پیروزی رساندن  
اعتصابات کارگری و بازگشت  
کارگران اخراجی به کار تا نجات  
زندگی هزاران پناهنده، از مقابله  
با حکم اعدام و نجات زنان و  
مردان از سنگسار گرفته تا  
مقابله آشتی ناپذیر با قتل های  
ناموسی و مبارزه علیه برقراری

اکنون به موجودیت سیاسی بزرگ  
و نقطه امید بسیاری تبدیل شده  
است. این حزب در  
شرایط حساس و انقلابی کنونی  
برای حفظ و گسترش فعالیت  
هایش به کمک مالی فوری شما  
نیاز دارد.  
کمتر حزب سیاسی چپ و  
رادیکالی در جهان میتوان یافت  
که در عرصه های متنوعی نظیر

صفحه ۲

### اعتراضات اخیر شهرهای کردستان و مواضع جریانات سیاسی

مصاحبه با محمد آسنگران

صفحه ۴

### تجمع و تظاهرات مردم در مهاباد

صفحه ۴

### رادیو فردا : آخرین تحولات کردستان ایران

مصاحبه با محمد آسنگران

همسر یک کارگر سقزی در مصاحبه با رادیوفردا از دستگیری و ممنوع الملاقات شدن شوهر خود می گوید

### کارگران شاهو همچنان در اعتصاب بسر میبرند

### تجمع کارگران شاهو در مقابل استانداری در شهر

سنندج

صفحه ۴

## اطلاعیه پایانی کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



صفحه ۷

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شماره حسابهای حزب در زیر درج شده است. کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

**شماره حساب ها:**

**انگلیس:**

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

**سوئد:**

پست جیرو 3-60 60 639  
صاحب حساب IKK

**آلمان:**

Dariush safa  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

**اگر از ایران ارسال میکنید:** میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و **اسمی که باید اعلام شود** را فوراً به ما اطلاع دهید.

چه در خارج ایران رجوع میکنیم و میخواهیم هر اندازه که میتوانید به حزب و یا به هر گوشه از فعالیت های آن که علاقمند هستید کمک مالی کنید. این کمپین علنی است و کمک های مالی که شما عزیزان میپردازید تماماً در رسانه های حزب با هر نامی که شما معین کنید اعلام خواهد شد.

**مردم آزاده!**

به فراخوان کمک مالی به حزب در شرایطی که مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی اوج میگیرد و حزب کمونیست کارگری باید با قدرت روز افزونی برای رهبری انقلاب علیه جمهوری اسلامی ظاهر شود پاسخ مثبت دهید و از این طریق هم تعرض سیاسی دیگری را علیه جمهوری اسلامی به نمایش بگذارید!

**حمید تقوائی دبیر کمیته**

**مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران**

سر راه این حزب است، فقدان امکانات مالی کافی است، تا آنجا که ادامه کاری برخی فعالیت های ما از جمله رادیو انترناسیونال بطور جدی زیر سوال رفته است. ما چشم به جای دیگری نداریم و امیدواریم با کمک شما مردم این مانع را از سر راه کنار زنیم. به این منظور کمپین مالی وسیع و اضطراری حزب از امروز اعلام میشود و به مدت یک ماه ادامه خواهد داشت. هدف از این کمپین جمع آوری ۱۰۰ هزار دلار از شما مردم آزاده، و همه علاقمندان و دوستان و اعضاء حزب است. از امروز تمامی اعضا و تشکیلات حزب در داخل و خارج، تمامی رسانه ها و رادیو ها و تلویزیون و همچنین سازمانها و نهادهایی که برای اهداف حزب و امر آزادی و برابری شکل گرفته اند، این کمپین وسیع مالی را به پیش خواهند راند. ما به شما مردم آزاده چه در ایران و

**سردبیر  
ایسکرا  
منصور فرزاد**

Tel: 0046 73 770 64 54  
E-mail:  
mansoorfarzad@yahoo.se

**دبیر  
کمیته کردستان  
محمد آسنگران**

Tel: 0049 1633458007  
E-mail:  
asangaran@aol.com

**تلویزیون  
کانال جدید  
تا ۱۰ شب**

Satellite: Telstar12

Center Frequency:  
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

**رادیو انترناسیونال  
۹ هر شب**

**رادیوی قوی با پوشش  
سراسری در ایران**

صدای آزادی، صدای حقیقت  
صدای کارگر، صدای انسانیت  
به همه طول موج  
رادیو را معرفی کنید

**۲۱ متر برابر  
با ۱۳۸۰۰ کیلو  
هرتز**

**ایسکرا  
چهارشنبه ها منتشر  
میشود**

## کارگران شاهو در سندج همچنان در اعتصاب بسر میبرند

همبستگی با اعتصاب کارگران  
کمک شود.

فعالین کارگری کارخانه شاهو  
کماکان توسط اطلاعات مورد  
تهدیدهای مستقیم و غیر مستقیم  
قرار دارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران

۲۵ مرداد ۱۳۸۴، ۱۶ اوت  
۲۰۰۵

اقدامات بعدی خود تصمیم گیری  
کنند.  
کارگران شاهو در اطلاعیه ای  
خطاب به مردم اعلام کردند که با  
وضعیت مالی بشدت وخیمی روبرو  
هستند و شماره حسابی را در اختیار  
مردم قرار داده اند تا به صندوق

ندارد این کارخانه به چه کسی تعلق  
دارد و مسئول بدهی آن ما نیستیم و  
به ما ارتباطی ندارد. ما کار کرده  
ایم و حقوق خود را می خواهیم.

کارگران قرار است در مجمع  
عمومی روز چهارشنبه، درمورد

طبق آخرین خبر رسیده به کمیته  
کردستان حزب کارگران شاهو  
همچنان در کارخانه در اعتصاب به  
سر می برند.

هئیتی که برای رسیدگی  
وضعیت کارخانه شاهو به تهران رفته  
بود، بعد از مذاکرات با مسئولین تا  
کنون به نتیجه ای نرسیده است.

کارگران می گویند بیش از ۶  
ماه است که دستمزد های خود را  
دریافت نکرده ایم. برای همه اهمیت

## تجمع کارگران شاهو در مقابل استانداری در شهر سندج

کارگران شاهو برای رسیدن به  
مطالباتشان قاطعانه حمایت  
میکند. امروز تعدادی از رادیو و  
تلویزیونهای فارسی زبان با این  
کارگران تماس گرفتند و مصاحبه  
کردند.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران

۲۶ مرداد ۸۴ - ۰۸/۲۰۰۵  
asangaran@aol.com  
00491633458007

این کارخانه از ۴۵ روز قبل تا  
کنون به دلیل قطع آب و برق و  
اعتصاب کارگران تعطیل است. اما  
کارگران هرروز در محل کار حاضر  
میشوند. اعتراض و اعتصاب  
کارگران شاهو به عدم پرداخت  
دستمزهایشان است. این کارگران از  
اول سال ۸۴ تا کنون یعنی حدود ۵  
ماه است که دستمزد نگرفته اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران از اعتصاب و اعتراض

شهر سندج مطالبات خود را به  
مقامات دولتی اعلام کردند.  
نمایندگان کارگران و مدیرکل  
سیاسی و انتظامی استانداری به  
مذاکره پرداختند. اینبار هم  
مقامات دولتی قول دادند که  
مطالبات کارگران را پیگیری کنند.  
اما کارگران هیچ اطمینانی به این  
قول و قرارها ندارند. فردا در محل  
اعتصاب قرار است مجمع عمومی  
کارران تصمیمات بعدی را بگیرد.

اعتصاب همچنان ادامه دارد  
همچنانکه دیروز به اطلاع  
رساندیم امروز چهارشنبه ۲۶ مرداد  
قرار بود کارگران شاهو در سندج  
در مجمع عمومی خود، در محل  
کارخانه تصمیم بگیرند که چه  
اقدامات دیگری را در دستور  
بگذارند. امروز صبح کارگران مجمع  
عمومی خود را تشکیل دادند و در  
مورد مسایل و مشکلات خود به  
بحث نشستند. در این مجمع عمومی  
کارگران تصمیم گرفتند که در مقابل  
استانداری تجمع و خواهان رسیدگی  
به مطالباتشان شوند. کارگران بعد  
از تجمع در مقابل استانداری در



محمد آسنگران

ایسکرا: در چند هفته اخیر شاهد مبارزات گسترده ای در شهرهای کردستان بوده ایم. دلیل این حرکت و خواسته های مردم چه بود؟ محمد آسنگران:

دلیل این اعتراضات کاملاً روشن است. همان دلایلی که کل جامعه را در مقابل رژیم اسلامی قرار داده است، مردم کردستان را هم به حرکت در آورده است. جنبشی که امروز در شهرهای کردستان اوج گرفته است، ادامه جنبش انقلابی در ایران است. این حرکت در کردستان از شهر مهاباد شروع شد. نیروهای مزدور جمهوری اسلامی یک جوان به اسم شوانه قادری را در مهاباد به طرز وحشیانه ای به قتل رساندند، بدن او را مثله کردند و این جرقه ای بود که آتش نفرت مردم مهاباد را شعله ور کرد.

مردم کردستان مانند همه مردم ایران به فقر، نداری، فحشا، فساد و تحقیر و استبداد معترض اند. این اعتراض فروخته اکنون سر باز کرده است. به چند دلیل در کردستان این حرکت اعتراضی اخیر مردم ادامه دار و تقریباً متحد پیش رفته است. مردم کردستان تاریخاً هیچ وقت به رژیم اسلامی توهمی نداشته اند و این رژیم را نپذیرفته اند. در مقابل اعتراض مردم کردستان، جمهوری اسلامی همیشه جوابش سرکوب بیرحمانه بوده است. تا کنون جمهوری اسلامی فقط با سرکوب خونین توانسته است حاکمیت خود را تحمیل کند.

اکنون توازن قوا تغییر کرده است، افق سرنوشتی جمهوری اسلامی به یک پدیده داده شده اجتماعی تبدیل شده است. در عین حال جامعه کردستان ویژه گی دیگری هم دارد. در کردستان جنبشهای اجتماعی احزاب خود را دارند. جامعه کردستان یک جامعه تقریباً حزبی یافته است، احزاب نفوذ دارند و سیاستهای آنها در شرایطی مثل امروز که همه

## اعتراضات اخیر شهرهای کردستان و مواضع جریانات سیاسی

تناقضات جامعه از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سر باز کرده است، نقش محوری بازی میکنند.

علاوه بر موارد ذکر شده، نسل جوان در کردستان با فرهنگی شهری و توقع جوان امروزی در دنیا پا به میدان مبارزه گذاشته است. در همه این اعتراضات اخیر که بیش از یک ماه ادامه داشته است، جوانان و زنان نقش محوری بازی کرده اند. نقش زنان در این اعتراضات مخصوصاً در شهرهای جنوب کردستان برجسته تر بوده است. مطالبات مردم اما بسیار بیشتر از آنچه است که اکنون به عنوان مطالبات فوری این اعتراضات اعلام شده است. حقیقت این است که مردم این رژیم را نمیخواهند و خواهان یک زندگی انسانی و مدرن و برابر هستند. در همه شهرها شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، آزادی برابری، زنده باد آزادی، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند و... شعار اکثریت مردم بوده است. مواردی تحت تاثیر جریانات ناسیونالیستی شعار های ملی و قومپرستانه هم داده شده است، اما شعارهای آزادیخواهانه و چپ بر این اعتراضات هژمونی چشمگیری داشته است.

ایسکرا: به نکته مهمی اشاره کردید، سوال ما اینست که جریانات چپ و کمونیستی و جریانات ناسیونالیستی در این اعتراضات چه نقشی دارند؟ وزنه این تاثیرات را شما بطور مشخص چه می بینید. محمد آسنگران:

ببینید در کردستان هم جنبش چپ و کمونیستی اجتماعی است و هم جنبش ناسیونالیستی، این دو جنبش در کردستان فضای سیاسی کردستان را تحت تاثیر سیاستها و تاکتیکهای خود قرار داده و میدهند.

این جنبشها سیر افت و خیز متفاوتی داشته اند. حرکت آنها خطی و یک نواخت نبوده است. تحولات سیاسی و اجتماعی در منطقه و جهان بر تاثیر گذاری و جایگاه این دو جنبش و احزاب در

قاسملودر جریان مذاکره توسط جمهوری اسلامی در وین ترور شد.

سیر وقایع این سالها و ترور رهبر حزب دمکرات عملاً سرگردانی و بی چهره بودن جنبش ناسیونالیسم کرد در کردستان را بیش از پیش عیان کرد. حزب دمکرات بدنبال شکست های پی در پی که در نتیجه سیاستهایش به حالت کوما فرو رفته بود، جنبش ناسیونالیستی کرد را با بی افقی و سردرگمی بیشتری مواجه کرد. در این دوره ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران سختترین دوران خود را سپری کرد و تشتت و نا امیدي این جنبش زمینه رشد و گسترش چپ و کمونیسم را بیش از پیش فراهم کرد.

این سیر اوضاع تا مقطع اوایل دهه ۷۰ شمسی با حاکم شدن ناسیونالیستهای کرد در کردستان عراق ادامه داشت. از این مقطع به بعد ناسیونالیسم کرد جان تازه ای گرفت و حزب دمکرات تحرکاتی را برای خروج از این وضعیت بحرانی شروع کرد.

در همین دوران است که ناسیونالیسم حاشیه نشین و منزوی درون کومله که با رشد کمونیسم سکوت و گوشه گیری را برای خود انتخاب کرده بود و خون جگر میخورد، یکبار سر از لاک خود بیرون می آورد و در زیر سایه طالبانی و بارزانی سر بلند میکند. این گرایش از فضای سیاسی موجود استفاده کرده و سهم خود را میخواست. این سهم خواهی ناسیونالیسم کرد در سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) در عین حال مصادف بود با ریختن دیوار برلین و اعلام مرگ کمونیسم از جانب بورژوازی راست غرب.

جدال کمونیسم و ناسیونالیسم در کومله اتفاق مهمی بود که جریان ما قبلاً در این مورد نوشته های فراوانی دارد. این اتفاق باعث جدایی بخش عظیم رهبری و کادرهای آن حزب و تشکیل حزب دیگری (حزب کمونیست کارگری) شد. این اتفاقات در حزب کمونیست ایران کل سیمای سیاسی و تشکیلاتی این جریان را دستخوش تغییر کرد. بخشی از همان کسانی که اکنون سازمان زحمتکشان را تشکیل داده اند از آن مقطع پرچم عشق به کردستان و ملیت و قومیت و

دوستی با جلال طالبانی را برداشتند.

از این مقطع به بعد ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات هم به طرف انسجام گام برداشتند. حزب دمکرات شقه شده دوباره یکی شد. ناسیونالیسم درون کومله هم با جدایی مارکسیستهای آن حزب میدان را به دست گرفت و شروع کرد ساز خود را زدن. اما چپ درون کومله ریشه دارتر از آن بود که ناسیونالیسم کرد کل این سازمان را با خود ببرد. چپ درون کومله که وسط کمونیسم و ناسیونالیسم در نوسان بود با تعرض بعدی ناسیونالیسم کرد که میخواست کل این سازمان را به بارگاه ناسیونالیسم سنتی هدایت کند، مقاومت قابل توجهی از خود نشان داد. بخش افراطی ناسیونالیسم کرد ناچار به جدایی از آن سازمان شد و سازمان زحمتکشان را درست کرد. این سازمان با کمک طالبانی و متفکران ناسیونالیسم کرد همراهی شد و هم اکنون به دنبال مقامات دولتی آمریکا و برای کاسه لیسسی درآبادخانه های وزارت امور خارجه آمریکا، سرگردان است. این جریان سعی میکند که تجربه رهبر عالیقدرش (طالبانی) را در کردستان ایران تکرار کند.

در چند سال اخیر قدرت رسانه ای پ ک و احزاب ناسیونالیست کردستان عراق به اضافه تحولات منطقه ای و تحولات درونی حزب کمونیست ایران و سربر آوردن ناسیونالیسم افراطی کرد از درون کومله، همگی در یک راستا باعث رواج فضای ناسیونالیستی در جامعه شدند. این اتفاقات جنبش رو به افول و نزول ناسیونالیسم کرد را امیدبخشید. این فاکتورها، بعلاوه سرکوبگری رژیم اسلامی، بعنوان دوران ماه غسل ناسیونالیسم کرد به حساب می آمد.

بعد از فرو ریختن دیوار برلین و اضمحلال بلوک شرق و درست در شرایطی که از مرگ کمونیسم و بیهوده بودن هر نوع مبارزه برای بهبود زندگی بشر حرف زده میشد، و پایان تاریخ را اعلام کردند و نظام موجود را ابدی فرض کردند، پیشروی کمونیسم در گوشه ای از دنیا، با نقد این نظام و جامعه طبقاتی، چپ و کمونیسم را بار دیگر احیا و معتبر کرد. تیوریه و سیاستهای

مارکسیستی منصور حکمت، این عقبگرد را در دنیا به مصاف طلبید و نقد مارکسیستی را در مقابل آن قرار داد. جنبش کمونیسم کارگری و نقد مارکسیستی منصور حکمت به این اوضاع، در ایران و بالطبع در کردستان هم اعتبار اجتماعی پیدا کرد. در همین دوران است که سیاستهای بورژوازی غرب با پوشش دموکراسی خواهی آن در دنیا با شکست و سردرگمی آشکار استراتژیستهای بورژوازی سیر روبه افول خود را آغاز میکنند. به این ترتیب یک بار دیگر کمونیسم و مارکس در دنیا مطرح میشوند و مارکس به عنوان مهمترین شخصیت دنیا در رسانه های غربی جا باز میکنند. به این ترتیب کمونیسم کارگری در ایران و کردستان نقش بالنده و روبه پیش خود را در ابعادی اجتماعی آغاز کرد. این مقطع هنگامی است که حزب کمونیست کارگری ایران به حزبی قوی بانفوذ و روشن بین و با اعتماد بنفس تبدیل شده بود.

فعالین جنبش کمونیستی در این مقطع دست اندر کار سازماندهی اعتراضات رادیکال و همچنین هدایت جنبشهای اجتماعی در ایران و بالطبع در کردستان شدند. در سطح جهانی هم حزب کمونیست کارگری توانست فضای بعد از ریختن دیوار برلین را بشکند و به چپ جامعه و سازمانهای مترقی و مدافع حقوق انسانی هم اعتماد به نفس بیشتری بدهد. رشد و گسترش اجتماعی کمونیسم در ایران باعث حرکات و تعرضات قابل توجهی در نقد و در تقابل گرایشات ناسیونالیستی شد و در چنین فضایی چپ و کمونیسم و دفاع از حقوق انسان و مقابله با ملی گرایی و قوم پرستی اعتبار پیدا کرد.

کسی که بخواهد دلیل حرکات مردم در شهرهای کردستان را بفهمد، باید این سیر تغییر و تحول را درک کند. این تغییرات به اضافه مکانیسمهای اجتماعی موجود برای تغییر و نیاز به تغییر، تاثیر مستقیمی بر این حرکات دارند. من فکر میکنم اکنون چپ و کمونیسم در کردستان در موقعیت مناسبی قرار گرفته است که بتواند میدان را بر جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم

کرد تنگ کند. چپ قدرت و نفوذی اجتماعی در ایران و بسیار برجسته تر در کردستان دارد. نفوذ و قدرت کمونیسم، نیروی محرکه و موتور این جنبش در کردستان است. جامعه آماده تحول و خواستار تغییر، با این موتور محرکه حرکتی بسیار جدی را آغاز کرده است. اما با این وجود علاوه بر خطر سرکوب از جانب جمهوری اسلامی خطر ندانم کاری و تاکتیکهای سازشکارانه جریانات چپ در کردستان که ناشی از یک دوره رکود و میانداری ناسیونالیسم کرد و متد برخورد خود این جریانات به اعتراضات مردم است، میتواند مانع سرعت بخشیدن به این جنبش باشد. اکنون کمونیستها در موقعیت بسیار مناسبتری از ناسیونالیسم قرار دارند. باید با اعتماد بنفس و حق به جانب وارد میدان شوند. جامعه چپ خود را لازم دارد و از آن استقبال میکند. این فرصت همیشه آماده نیست، باید در صف مقدم این جنبش با سیاستی میلیتانت و رادیکال ایستاد و رهبری کرد. حزب کمونیست کارگری خود را در این جایگاه قرار داده است.

جریاناتی که مدعی هستند مردم باید منتظر آنها باشند تا دستور چگونه مبارزه کردن را برای آنان صادر کنند بی ربط بودن خود را دارند به نمایش میگذارند. در مقابل این استدلال پرت و بی پایه باید بگویم که کسی نمیتواند به بهانه نا آماده بودن خودش به جامعه ایست بدهد. جامعه منتظر کسی نمیشود. یا کمونیسم همین امروز در راس این مبارزات قرار میگیرد یا پشش میزنند. متأسفانه سازمانهای سیاسی چپ در کردستان هنوز اعتماد بنفس لازم را ندارند به همین دلیل است که فکر میکنند حزب ما زیادی چپ و افراطی است. بعضی جریانات کینه توز حتی حاضرند از کمونیسم و چپ بودنشان به نفع سیاستهای کهنه شده و بی اعتبار دوم خردادها "مبارزه متمدنانه" مبارزه "مسالمت آمیز" و تعرض به چپ جامعه که چرا حمله به بانکها و اماکن دولتی را مکرره اعلام نمیکند و... در را پیش بگیرند. نمونه این نوع رفتار کودکانه و دور از واقعیات جامعه را منشعبین از حزب ما، زیادی از خود نشان داده اند و عاقبت خوبی در انتظارشان

نیست. ما در مقابل اینها میگوییم که ما همان چپ افراطی ضد مذهب، ضد ناسیونالیسم و رادیکال بودیم و هستیم. هر نوع کوتاه آمدن و پز "دمکرات و چپ عاقل" به خود گرفتن را به ضرر مردم و مبارزاتشان میدانیم. امروز باید کاملاً رادیکال و چپ به شکل افراطی آن در جامعه ظاهر شد.

*ایسکرا: رژیم جمهوری اسلامی چه تاکتیکی را برای مقابله با مردم اتخاذ کرد؟*

محمد آسنگران:

جمهوری اسلامی در مقابله با اعتراضات مردم یک تاکتیک همیشگی دارد (سرکوب)، این خاصیت همه دولتهای دیکتاتور و سرکوبگر است. راه دیگری نمیتوانند در پیش گیرند. اما در کنار این سرکوبگری مرتب تلاش کردند که این جنبش اعتراضی را قومی و ملی جلوه دهند. تلاش کردند این جنبش را به جریانات ناشناخته و قوم پرستی مثل پژاک ربط دهند. با هر ترفندی سعی در سرکوب این مبارزات میکنند. تمام تلاش جمهوری اسلامی علاوه بر سرکوب خشن، محدود کردن این جنبش اعتراضی به محدوده شهرهای کردستان است. جمهوری اسلامی نمیتواند این جنبش را در کردستان سرکوب و در قفس کند، کوشش میکند به شهرهای دیگر سرایت نکند. زیرا میدانند شرایط کاملاً آماده گسترش این اعتراضات به دیگر شهرهای ایران است. در مقابل، ما تلاش میکنیم این جنبش انقلابی با همین شدت و حدت به دیگر شهرهای ایران کشیده شود.

جمهوری اسلامی میدانند که بعد از "انتخابات" و سرکار آوردن یک تیر خلاص زن، ضعیف تر از همیشه در مقابل یک جنبش اعتراضی در ابعادی سراسری قرار گرفته است. جامعه تعرض را آغاز کرده است. اما برای مقابله با این جنبش علاوه بر سیاست سرکوب سیاست باد زدن اختلافات قومی، ملی و مذهبی یک پای دائمی تاکتیکهای رژیم است. مبارزات مردم جنوب ایران را به جریانی حاشیه ای و ناشناخته مثل الاحواز نسبت دادند و مبارزات مردم کردستان را به پ.ک.ک و پژاک نسبت دادند، برای محدود کردن این

اعتراضات ناسیونالیسم ایرانی را به کمک طلبیدند. همچنانکه مشاهده میکنید همه این جریانات اعلام کردند که این مبارزات قوم کرد یا عرب است. در حالی که این مبارزات ادامه جنبش انقلابی در ایران است که اکنون ما شاهد سر بر آوردن آن در کردستان و یا قبلاً در خوزستان بودیم. این اعتراضات هر روز از گوشه و کنار ایران سر بر می آورد. در این راستا متأسفانه جریاناتی که خود را سرگونی طلب میدانند با این سیاستهای نخ نما هم آوا شده اند. دوم خردادها که همیشه تکرار کرده اند "سنیها و کردها و عربها و..." باید سهمی در دولت داشته باشند و منظورشان این است که دوم خردادها این مناطق را به مقام و مسندی برسانند. البته "فراکسیون کرد مجلس اسلامی" هم از این اوضاع میخواهد برای خود کلاهی بلوزد. جریانات عظمت طلب آریایی، طیف توده ای - اکثریتی، بی بی سی و اخیراً جریان منشعب از حزب ما هم همین اراجیف را نشخوار میکنند. از سر دوستی یا دشمنی این جریانات مرتب تکرار میکنند که این اعتراضات به ناسیونالیسم و قوم پرستی مرتبط است. این برجسب توهین به مردم و مبارزات آنها برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

*ایسکرا:*

*روز دوشنبه ۱۰ مرداد قرار بود که در سنج تظاهرات شود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به مردم فراخوان داد که وسیعاً در این تظاهرات شرکت کنند خود شما پیامی دادید و از مردم سنج خواستید کار را تعطیلی کنند و وسیعاً در این تظاهرات شرکت کنند. اما جریان منشعبین از حزب طی اطلاعیه ای به مردم هشدار داد که تظاهرات آن روز ناسیونالیستی است. بعد از اینکه دیدند که مردم وسیعاً در تظاهرات شرکت کردند، موضعی عکس فراخوان خود اعلام کردند. دلیل این تغییر موضع چه بود؟*

محمد آسنگران:

موضع گیری آنها ناشی از بی اطلاعیشان نبود. ناشی از برخورد احساسی و سطحی نویسنده هم نبود. این یک خط سیاسی است که

از قبل هم، ما بارها شاهد آن بوده ایم و آن را نقد کرده ایم. اوایل گفتند انقلاب یعنی حمله به "سوپرمارکتها و این دموکراتیک و متمدنانه" نیست و... بعداً در مورد خیزش مردم خوزستان هم همین موضع را گرفتند و حرکت مردم را تقبیح کردند. گفتند "الاحواز" این حرکت را ایجاد کرده است. در مورد حرکت مردم در تهران هم قبل از این، چنین موضعی را گرفتند و گفتند این اعتراض مردم به دستور هخا بوده و آلترناتیو راست است و... نباید به خیابان رفت. در هر سه مورد اینها حرکت اعتراضی مردم را به جریاناتی حاشیه ای و بی ربط به مبارزه و مطالبه مردم معرفی کردند و نسبت دادند. ناگفته نماند سران و مسولین رژیم هم همین سیاست را اعلام کردند به اضافه مقداری اسلحه و نیروی نظامی آماده برای شلیک.

این موضع گیری آنها در حقیقت سیاست خانه نشینی کردن مردم است، که بعداً در کردستان رسماً اعلام کردند و گفتند "مردم در خانه هایشان بمانند و خیابان سوت و کور باشد". حتی هنگامی که مردم در شهرهای سنج، کامیاران، جوانرود، مهاباد، و سردشت و... در به خیابان آمدن و چندین نفرشان هم در جریان اعتراض به جمهوری اسلامی دستگیر شد و به مردم تیراندازی شد، خبر این اعتراضات را مسکوت گذاشتند و از کنار آن رد شدند. این جریان را نباید جدی گرفت. هیچ جا مطلقاً هیچ جا مردم به حرف اینها گوش نکرده اند. البته حرفشان هم به گوش کسی بجز چند ده نفر اطرافیانشان و اگر ارفاق کنیم چند صد نفر بیشتر نمیرسد.

اینها یک جریان راست و سرگردان هستند که هر روز باید انتظار حرفهای عجیب و غریب آنها باشید.

جامعه با، یا بدون اینها دارد کار خودش را میکند. کسی منتظر موضعگیری منشعب این جماعت نیست و نبوده است. خودشان هم نمیدانند به کجا میروند. اما جالب این است که اینها ما را متهم میکنند مردم را به سنگ پرانی و درگیر شدن با رژیم اسلامی تشویق کرده ایم. ما را متهم میکنند که در مقابل شکستن شیشه بانکها و اماکن رژیم اسلامی

و انساندوست شریک میدانند. ما همچنین به رفیق محمد فتاحی صمیمانه تسلیت میگوییم.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۲۴ مرداد ۸۴ - ۱۵ اوت  
۲۰۰۵  
[asangaan@aol.com](mailto:asangaan@aol.com)  
00491633458007

## مرگ نابهنگام موسی فتاحی چهره محبوب مردم نقده و شهرهای اطراف

خوانده شد. روز يك شنبه و دو شنبه خانواده داغیده موسی با مهر و محبت و اعلام همدردی وسیع مردم نقده و شهرهای اطراف روبرو شدند. مرگ زودرس موسی به عنوان چهره ای دوست داشتنی، همه ما و مردم

روستای قلاتان محل خاکسپاری او تجمع کردند. یکی از دوستان موسی فتاحی هنگام خاکسپاری او، از زندگی و تلاش سراپا پر شور و شوق، و نقد او به جامعه طبقاتی حرف زد. به این مناسبت يك قطعه شعر هم

موسی فتاحی یکی از چهره های محبوب و شناخته شده مردم منطقه جان باخت. موسی بر اثر تصادف رانندگی در مسیر رضاییه به نقده به شدت زخمی شد و متأسفانه جان باخت. با مرگ نابهنگام موسی مردم منطقه یکی از چهره های محبوب خود را از دست دادند. روز يك شنبه در مراسم خاکسپاری این عزیز جانباخته بیش از ۵۰۰ نفر در

بود، اعتصاب عمومی و سوت و کور ماندن خیابانها، ما با بخش دوم این فراخوان اختلاف تاکتیکی داریم. ما به مردم گفتیم در عین اعتصاب عمومی باید به خیابان بیایند. در بسیاری از شهرهای کردستان خوشبختانه مردم به خیابان آمدند. در کامیاران، سردشت، سقر، سنندج و مهاباد و... در همین روز تجمعاتی برپا شد که کومله خودش هم بخشی از همین تجمعات را منعکس کرد. بنا بر این ما بر اساس همان تاکتیک درست عمل کردیم و تلاش میکنیم مردم را در خیابان نگهداریم. علاوه بر این ما قبلاً روز ۱۰ مرداد ماه به مردم سنندج همین فراخوان تعطیل عمومی را همراه با به خیابان آمدن داده بودیم و نتیجه آن شد که دیدیم.

اکنون تنها راه نزدیک شدن به کومله است. البته شک دارم که کومله هم اینها را بپذیرد، زیرا سیاستهای بغایت راست اینها در کومله هم طرفدار چندانی پیدا نمیکند. اینها نه از سر احساس مسولیتشان بلکه از زاویه مسله کرد و اپورتونیسم شان به این جهت گرایش پیدا کرده اند. از این نمدهم کلاهی برای آنها درست نمیشود. اما جواب اینکه چرا ما از فراخوان کومله حمایت نکردیم، در همان فراخوان ما مستتر است. تاکتیک کومله اعتصاب عمومی بود و ما با این تاکتیک مخالفتی نداشتیم، اما این تاکتیک را ناکافی میدانستیم و میدانیم. فراخوان ما به تعطیل کشاندن شهرها و به خیابان آمدن مردم بود. در شرایطی که مردم در خیابان هستند فراخوان به خانه نشینی را نادرست میدانیم. این تاکتیک کومله به نسبت مبارزات مردم عقب بود. این تاکتیک دوپخش

بند نیست. از اینجا رانده و از آنجا مانده وصف حال این جریان است. اکنون باید فکری به حال خود میکردند. اینها بعد از انشعاب از ما فکر کردند نفوذ حزب کمونیست کارگری در کردستان را تمام و کمال با خودشان میبرند. در همین مدت کمتر از يك سال جامعه و مبارزات کارگری و اجتماعی در کردستان و نقش حزب ما نشان داد که چنین نیست و به شدت از اینجا هم نا امید شده اند.

اکنون تنها راه نزدیک شدن به کومله است. البته شک دارم که کومله هم اینها را بپذیرد، زیرا سیاستهای بغایت راست اینها در کومله هم طرفدار چندانی پیدا نمیکند. اینها نه از سر احساس مسولیتشان بلکه از زاویه مسله کرد و اپورتونیسم شان به این جهت گرایش پیدا کرده اند. از این نمدهم کلاهی برای آنها درست نمیشود. اما جواب اینکه چرا ما از فراخوان کومله حمایت نکردیم، در همان فراخوان ما مستتر است. تاکتیک کومله اعتصاب عمومی بود و ما با این تاکتیک مخالفتی نداشتیم، اما این تاکتیک را ناکافی میدانستیم و میدانیم. فراخوان ما به تعطیل کشاندن شهرها و به خیابان آمدن مردم بود. در شرایطی که مردم در خیابان هستند فراخوان به خانه نشینی را نادرست میدانیم. این تاکتیک کومله به نسبت مبارزات مردم عقب بود. این تاکتیک دوپخش

آن حمله کرد. گفتند مبارزه "متمدانه" را باید دامن زد، نباید "انقلاب انقلاب کرد"، گفتند خیابانها باید سوت و کور باشد، هرکس مردم را به خیابان فرا بخواند "ماجرای ما است". جواب ما هم روشن است اینها مخالف انقلاب و تیوریهایی کهنه شده طیف دوم خرداد را برداشته اند، چیز تازه ای نگفته اند.

*ایسکرا: چرا منشعبین از اعلام اعتصاب عمومی توسط کومه له حمایت کردند؟ شما چرا حمایت نکردید؟*

محمد آسنگران  
منشعبین در روز ۱۰ مرداد خراب کردند، به مردم هشدار دادند که تظاهرات این روز در سنندج متعلق به ناسیونالیستهاست و مبارزات مردم را ناسیونالیستی معرفی کردند. به مردم سنندج هشدار دادند که آن تظاهرات به فراخوان جریانی به اسم پژاک است. خوب هنگامی که در شهر سنندج خبر شعارهای رادیکال و تظاهرات وسیع پخش شد و پژاک و منشعبین هر دو سرشان بی کلاه ماند، اینها باید راه جبران این خراب کردن را پیدا میکردند. این يك دلیل بود، خراب کرده بودند باید وصله پینه میکردند. دلیل دیگر حمایت آنها از فراخوان کومله این بود که متوجه شده اند نه در جنبش کارگری و نه در جنبشهای دیگر در ایران کسی اینها را جدی نمیگیرد. دستشان به جایی

بگیرند، اکنون متوجه شده اند از راه شلوغی و تظاهرات و حمله "غیر متمدانه" نمیشود. باید کنترل شده قدرت انتقال یابد. چون آماده سازماندهی این اعتراضات نیستند مردم باید برگردند خانه هایشان، به خیابان آمدن از نظر این دوستان سابق هنوز زود است، زیرا رهبر هنوز آماده نیست و مردم نباید جلو بزنند. اکنون اعلام کرده اند باید "دولت قوی موقت درست کنند"!!!! این هم يك صیغه دیگر برای قیام کمونیستی. میبینید که آدم از فرط وفور باید درافشانیهای اینها را فقط ردیف کند. البته اخیراً انقلاب خشونت است هم از جانب این جماعت تیوریزه شده است. میفرمایند "آتش زدن و خراب کردن و حمله کردن و شیشه شکستن، فرهنگ اسلامی و جهان سومی است. مگر ندیدید که در انقلاب اکتبر ۴ نفر هم کشته نشدند و.....!!!!"

گویا مردم عاشق انقلاب کردن و قیام کردن و خراب کردن هستند، این جمهوری اسلامی بیچاره هم ناچار است "اشار" را به گلوله ببندد و به جرم "نامتمدن" بودن بکشد. تظاهراتشان هم به دستور "پژاک و الاحواز و هخا" بوده است. این خزعبلات را ایرنا و وزیر کشور هم گفته اند و منشعبین هم تایید کرده اند، پس دلیل کافی برای سرکوب هست. به مردم هشدار دادند که "بانکها اموال مردم" است و نباید به

که گویا "اموال مردم" هستند تایید آمیز حرف زده ایم. اینها ما را متهم میکنند که به مردم گفته ایم به خیابان بیایند و گویا این ماجراجویی

است. ما این اتهامات بزرگ را میپذیریم، درست است. هیچ کدام از حرکتیهای مردم کردستان مقصرش آنها نیستند. آنها کسی را تشویق به خیابان آمدن نکرده اند، این حرفشان واقعی است. زیرا آنها "چپ دمکرات و عاقل شده اند" آنها طرفدار مبارزه "آرام و متمدانه" هستند. اگر قرار است کسی را به دلیل "شلوغیهای" کردستان محاکمه کنند من بر بیگناهی آنان شهادت میدهم. این همه "جنجال آفرینی" زیر سر "جریانی ماجراجو" مثل حزب ما است. در تهران، آبادان، اهواز، ماهشهر، کاشان، و... هم ما این "گناهان" کبیره را میپذیریم. اگر مقصری هست ما حاضریم تمام تقصیر را به عهده بگیریم.

اینها دیگر نمیخواهند جایی یا خیابانی، شلوغ کنند و طرفدار حفظ بانکها هستند، اعلام کرده اند که بانکها سرمایه مردم است و وقتی به قدرت برسند احتیاجش دارند. طوری حرف میزنند که گویا فرش قرمز جلو پایشان پهن کرده اند که بدون خونریزی حکومت را بگیرند. سطحی نگری و توهمات کودکانه اینها خنده دار است. اینها قبلاً عجله داشتند که قدرت سیاسی را

## فرمانده نیروی انتظامی رژیم در سردشت از دستور فرماندار سرپیچی کرد و برکنار شد

انتظامی در برخی شهرها مشاهده شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۲۵ مرداد ۱۳۸۴، ۱۶ اوت  
۲۰۰۵

نیروهای رژیم، روز چهارشنبه نشست شورای تامین شهر برگزار میشود و جوان بختی فرمانده نیروی انتظامی شهر سردشت از سمت خود برکنار میشود. دلیل ذکر شده سرپیچی از دستورات فرماندار اعلام شده است. لازم به ذکر است اخیراً موارد دیگری از سرپیچی نیروهای

انتظامی از این دستور سرپیچی میکنند و از فرماندار میخواهد که کتبا مسئولیت این اقدام را بعهده گیرد. بدنبال این اختلاف در صفوف

سرکوب را به خیابان بریزد و قفلهای دکانه و مغازه ها را بشکنند و اجازه ندهند کسی مغازه ها را ببندد. جوان بختی فرمانده نیروی

۱۶ مرداد ماه ۸۴ فرماندار شهر سردشت، علی پرتوی، به فرمانده نیروی انتظامی، جوان بختی، دستور می دهد که نیروهای

## آخرین تحولات کردستان ایران مصاحبه با محمد آسنگران

برگرفته از سایت رادیو فردا

محمد آسنگران فعال سیاسی و روزنامه نگار کرد یکشنبه شب در کانون جهانی پناهندگان در کلن تحت عنوان تحولات تازه در کردستان سخنرانی کرد. آقای آسنگران در مصاحبه با رادیو فردا می گوید: فقط در سنج حدود ۶۰۰ نفر زندانی شدند و اکثر دستگیرشدگان در نازامی های اخیر کردستان جوانان کم سن و سال هستند، بخشی از کسانی هم که آزاد شدند با وثیقه های خیلی سنگین آزاد شدند. آقای آسنگران می گوید: مردم برای آزادی دستگیرشدگان اقدامات وسیعی را شروع کردند و در شهرهای مختلف مشغول طومار امضا کردن هستند و خواهان آزادی فوری همه دستگیرشدگان و غیرنظامی کردن شهر هستند، زیرا اکنون از طرف جمهوری اسلامی تلاش می شود با خانه گردی، دستگیری های وسیع و اذیت و آزار و

آزاد کردند، ولی تعدادی هنوز در زندان هستند، بخشی از کسانی هم که آزاد کردند، آدم های مسن تر هستند، منتها اینها را با وثیقه خیلی بالا ۲۰ میلیون و ۳۰ میلیون تومان آزاد کردند.

شهرام میریان (رادیو فردا): این مسن ها مقصودتان چه کسانی هستند؟

محمد آسنگران: کسانی هستند که بیشتر فعالین سیاسی یا اجتماعی بودند. در جریان درگیری ها و خانه گردی ها بیشتر دستگیر شدند.

ش. م: مقصود شما چهره های شناخته شده است؟

محمد آسنگران: چهره های شناخته شده هم در میان اینها هستند. ولی چهره های شناخته شده نسبت به کسانی که دستگیر کردند کمتر هستند. تعداد دستگیری ها فقط در سنج حدود ۶۰۰ تن بوده. وسیعاً اینها را تحت فشار گذاشتند که یا آزاد نمی شوند در زندان باید بمانند یا اگر می خواهند آزاد شوند با وثیقه های بالا. اکثر

اعتراضات خودشان، مخصوصاً خانواده های دستگیرشدگان مرتب هم در سقز و در سنج که ما خبر داریم و شهرهای دیگر همچنان ادامه دارد و خواست این تجمعات خانواده های دستگیرشدگان و مردمی که حمایتشان می کنند، اساساً آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیرشدگان اخیر است.

ش. م: یکی از چهره ها خانم رویا طلوعی است. ایشان کجا هستند؟

محمد آسنگران: هم رویا طلوعی و هم برهان دیباگر از چهره های شناخته شده ای هستند که در بازداشت به سر می برند. رویا طلوعی در سنج هست و برهان دیباگر هم در سقز در بازداشت است. ش. م: شما آیا از وضعیتشان اطلاعی دارید؟

محمد آسنگران: ممنوع الملاقات هستند، تحت فشار هستند و اتهامات ارتباط با سازمان های سیاسی غیرقانونی از نظر جمهوری اسلامی به اینها زدن و قرار است محاکمه بشوند.

## نقض آشکار حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

ملاء عام به دارآدیخته میشوند.

چند روز بعد در شهر اشونیه دوفر به نامهای حیدر عبدالله زاده و عمر مینائی که در حرکت اعتراضی علیه رژیم شرکت کرده بودند مورد اثبات گلوله قرار میگیرند که جانشان را از دست میدهند. این درحالیست که اعتراضات مردم روز بروز شدت بیشتر یافته و مردمی که از جنایات و وحشیگری های جمهوری اسلامی جانشان به لب رسیده و به اعتصاب و تحصن و اعتراض ادامه خواهند داد و تا سرنگونی کامل این نظام جهل و خرافه و ضد آزادی از پای نخواهند نشست.

حرکتهای رژیم نقض آشکار حقوق بشر است. در ماده پنج حقوق بشر آمده است که: "هیچ کسی نباید شکنجه شود یا تحت مجازات و یا رفتار ظالمانه یا غیرانسانی قرار گیرد".

رژیم جهل و سرمایه با رفتارهای غیر انسانی نه تنها حقوق بشر را زیر پا گذارده بلکه ترورهای مخفیانه و اعدام در ملاء عام به کار هرروزه این نظام رعب و وحشت



پویا احمدی

جمهوری اسلامی ایران، این رژیم ضد مردمی و حامی سرمایه و تشدید کننده فقر، نزدیک سه دهه است که حقوق بشر را در عرصه های گوناگون نقض می کند. ترور دستگیری زندان شکنجه، اعدام و سرکوب به کارمیشگی این سرکوبگران ضد بشر تبدیل شده است. روزی نیست که فعالین سیاسی اجتماعی تحت فشار و دستگیری قرار نگیرند. روزی نیست که زنان مورد تهدید تحقیر، و نقض حقوق اولیه خود قرار نگیرند. این فشار جامعه که ستم مضاعف را تحمل کرده به این دلیل که حکومت ضد آزادی و ضد زن بر جامعه حکومت میکند. روزی نیست که جوانان و آزادی خواهان بخاطر عقایدشان مورد تعقیب

تبدیل شده است. در کدام نقطه این سرزمین اسلام زده میشود آزاد زندگی کرد و دارای حقوق انسانی بود؟ از شمال تا جنوب از شرق تا غرب، فقر و فلاکت، فحشا و اعتیاد بیداد میکند از مکراسی و آزادی خبری نیست، زندگی نرمال شایسته انسان مفهوم واقعی خود را از دست داده است. در حکومت اسلامی آزادی یعنی صدا در گلو خفه کردن دست در ستیند و یا در رنجیر. در ایران تحت حاکمیت اخوندها از امنیت سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی خبری نیست و این نقض آشکار حقوق بشر سلهای سال است که ادامه دارد. در ماده سه قانون حقوق بشر آمده است که "هر شخصی حق زندگی، آزادی و امنیت فردی دارد" در جمهوری اسلامی ایران از آزادی تشکیل خبری نیست حتی تشکیل های دست ساخته خودشان هم حق هیچ گونه اعتراضی ندارند و هر تفکری که با نظام همخوانی نداشته باشد به شیوه های گوناگون سرکوب میشود و حتی همپالگی های گذشته خودشان را هم تحمل نمیکنند. این رژیم سرپا وحشت هر حرکت مردمی را که نضج گرفته سعی در سرکوب آنرا

داشته و سایه کربیه خود را بر آن گسترانیده است. در حالی که ماده بیست قانون حقوق بشر میگوید که "هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع و انجمن های مسالمت آمیز بهرمنند گردد". نه تنها این ماده بلکه هیچ بندی از مواد حقوق بشر در ایران رعایت نمیشود. این رژیم ضد مردمی سرمایه نه تنها با آزادی و حقوق انسانی مخالف است بلکه بشیوه های ددمنشانه در نقض آشکار حقوق بشر در همه زمینها توانسته است با ایجاد رعب و وحشت و به تاراج دادن سرمایه های ملی و انواع سرکوبها خود را سرپا نگه دارد.

قطعا روزی فرا خواهد رسید که این رژیم سرکوب و خفقان و ضد مردمی بدست کارگران و زحمتکش مردم ستم دیده زنان آزادیخواه و جوانان مبارز سرنگون خواهد شد و بساط این جانیان را از بنیان خواهند کند و به زیاله دان تاریخ خواهند ریخت و حکومتی شایسته انسان را جایگزین خواهند کرد.

زنده باد آزادی و برابری  
مرک بر رژیم جمهوری اسلامی

## اطلاعیه پایانی کنفرانس شورای کادریهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

### کنفرانس شورای کادریهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد

کنفرانس شورای کادریهای تشکیلات کردستان حزب در روزهای ۱۳ و ۱۴ اوت ۲۰۰۵ در شهر کلن آلمان برگزار گردید. در این کنفرانس حمید تقوایی لیبر حزب، شهلا دانشور و مینا احدی از دفتر سیاسی حزب حضور داشتند.

همچنین تعدادی از کادریهای حزب و تعدادی بعنوان مهمان در کنفرانس شرکت داشتند. کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جانباختگان اخیر در شهرهای کردستان و یاد منصور حکمت آغاز شد. سپس کنفرانس با سخنرانی محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب افتتاح شد. حمید تقوایی لیبر حزب در مورد اوضاع سیاسی ایران و ویژگیهای مبارزه در کردستان سخنرانی کرد. حمید تقوایی در سخنرانی خود مبارزه مردم در کردستان بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی را مرور کرد و سپس به توضیح این مساله پرداخت که مبارزات امروز مردم در شهرهای کردستان، همانند مبارزات

کمیته کردستان در یکسال گذشته صحبت کرد و تاکید کرد که حزب در کردستان باید با اعتماد بنفس بیشتری به رهبری و هدایت مبارزات مردم بپردازد.

بعد از سخنرانی حمید تقوایی، کنفرانس هیئت رئیسه را انتخاب و دستور جلسه را تصویب کرد. دستور جلسه این کنفرانس عبارت بود از: گزارش دبیر کمیته کردستان به کنفرانس و بحث حول گزارش، پلاتفرم و اولویتهای تشکیلات کردستان حزب و انتخاب کمیته. گزارش فعالیت دور گذشته

کارگران و مردم در اهواز و تبریز و تهران جزئی از مبارزه عمومی و سراسری علیه حکومت اسلامی و برای یک زندگی بهتر است. حمید تقوایی به نقش مهم حزب کمونیست کارگری اشاره کرد و به جریاناتی که به اعتراضات و خشم بر حق مردم مهر خشونت طلبی میزنند، بشدت حمله کرد و این طیف را بعنوان جریاناتی راست و مانع مبارزات مردم مورد انتقاد قرار داد. حمید تقوایی، از فعالیتهای گسترده، از عطف توجه بسیار بیشتر به مبارزات کارگری و دخالت در رهبری روزمره این مبارزات بوسیله

کتبی در اختیار کنفرانس قرار گرفته بود و محمد آسنگران بر مبنای این گزارش کتبی، نکات مهم اوضاع سیاسی و موقعیت حزب در کردستان را با جزئیات بیشتری به کنفرانس ارائه داد. در مورد وظایف دور آتی کمیته و تشکیلات کردستان حزب، حمید تقوایی و محمد آسنگران خطوط پلاتفرم کمیته و اولویت های دور آتی فعالیت حزب در کردستان را تشریح کردند.

در طول دو روز کنفرانس، کادریهای تشکیلات کردستان حزب حول اوضاع سیاسی و فعالیت های سیاسی و سازمانی حزب در کردستان و موقعیت جنبشها و احزاب سیاسی مختلف در این منطقه، فعالانه در مباحث شرکت کردند و ضمن تأیید سیاستها و تاکتیکیهای اتخاذ شده از طرف کمیته کردستان، از نقش برجسته کمیته کردستان در این دوره قدردانی کردند. همچنین دبیر کمیته کردستان حزب رسماً از نقش موثر اصغر کریمی در فعالیتهای کمیته کردستان تشکر و قدردانی کرد. در این کنفرانس ۳۶ نفر به عضویت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران انتخاب

شدند که عبارتند از: ۱- صمد احمدی ۲- هستی رحمتی، ۳- امید زمانی ۴- خسرو شاد، ۵- رضا فتحی، ۶- نیما مرادی، این ۶ نفر از رفقای تشکیلات داخل میباشند.

۷- محمد آسنگران ۸- مهرداد احمدی ۹- وریا احمدی ۱۰- عبدالله اسدی ۱۱- عباس ایاق، ۱۲- بهمن خانی ۱۳- سیاوش دانشور ۱۴- هادی رحیمی ۱۵- زرگار رضائی ۱۶- نسرین رمضانعلی ۱۷- کریم شاه محمدی ۱۸- منیر شریف پوریان ۱۹- سهیلا شریفی ۲۰- شمه صلواتی ۲۱- عبدالله صیدمرادی ۲۲- صالح فلاحی ۲۳- ایرج فرجاد ۲۴- منصور فرزاد ۲۵- پروین کابلی ۲۶- اصغر کریمی ۲۷- محمدامین کمانگر ۲۸- عبدال گلپریان ۲۹- حیدر گویلی ۳۰- یدی محمودی ۳۱- فرشته مرادی ۳۲- شهناز مرتب ۳۳- اسماعیل مولودی ۳۴- صابر نوری ۳۵- ستار نوری زاد ۳۶- رحیم یزدانپرست.

کنفرانس پس از دو روز مباحثات فشرده در میان شور و شوق شرکت کنندگان پایان یافت. کمیته کردستان در اولین جلسه خود که بدنبال کنفرانس تشکیل شد، محمد آسنگران را با اتفاق آرا به عنوان دبیر کمیته انتخاب کرد.

#### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اوت ۲۰۰۵، ۲۵ مرداد  
۸۴



### تجمع و تظاهرات مردم در مهاباد

دیروز سه شنبه ۲۵ مرداد ماه مردم مهاباد در اعتراض به اظهارات مقامات رژیم و بویژه فرمانده نیروهای انتظامی این شهر که شوانه قادری را "شور و قاجاچی" معرفی کرده بودند، تجمع کردند. شوانه قادری یکی از جوانان معترض شهر بود که روز ۱۸ تیر بوسیله نیروهای انتظامی رژیم اسلامی کشته شد. مردم در میدان استقلال، باغ

حمله کردند. این حمله به تا پاسی از شب ادامه داشت و باتیراندازی و پرتاب گاز اشک آور نیروهای نظامی روبرو شد.

تعدادی از جوانان در این اعتراضات دستگیر شدند. از آمار زخمی و کشته شدن مردم خبری در دست نیست.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ مرداد ۸۴ - ۲۰۰۵ - ۰۸  
۱۷

از سایت کمیته کردستان  
دیدن کنید

www.iskraa.org

## سرکوب کارگران در شهرهای کردستان

مصاحبه رادیو فردا با همسر یکی از دستگیر شدگان در سقز  
وی از دستگیری و ممنوع الملاقات شدن شوهر خود میگوید

مریم اخترپور، بانوی حامله سقزی می گوید پاسداران بدون اینکه حتی نام شوهر او را بدانند نیمه شب از بالای در و دیوار به منزل آنها ریختند و بعد از تفتیش منزل شوهر او را که یک کارگر نانوائی است با خود بردند. وی می گوید در این مدت تنها موفق شده است یک بار با شوهر خود، برهان دیوارگر که در زندان به شدت مضروب شده است، دیدار کند. شوهرش به وی گفت که در باره «کمیته پیگیری» بیکاری کارگران مورد بازجویی قرار گرفت و همچنین در باره پرونده قبلی، در ارتباط با شرکت در تظاهرات روز کارگر. خانم اخترپور از سازمان های حقوق بشر بین المللی خواستار کمک برای تامین آزادی همسر خود می شود.

فریبا مودت (رادیوفردا): خانم مریم اخترپور، اهل سقز، دو هفته است که از شوهر خود بی خبر است. در جریان ناآرامی های شهرهای استان کردستان به گفته او ماموران انتظامی شبانه به خانه ها آنها رفتند و بعد از تجسس منزل

شوهر او برهان دیوارگر را با خود بردند. مریم که یک فرزند هشت ساله دارد و آخرین روزهای حاملگی خود را می گذراند، در یک بار با شوهر خود در بازداشتگاه ملاقات کرده است.

مریم اخترپور (همسر یک زندانی سقزی): من روز ۲۳ (مردادماه) بود که از او خبر داشتم ولی دیگر خبری از او ندارم. ملاقات نمی دهند.

نازی عظیما (رادیوفردا): روز بیست و سوم شما با ایشان ملاقات کردید؟

مریم اخترپور: بله. بله. ن.ع.: حالشان چطور بود؟

مریم اخترپور: حالش خوب نبود. آرنجش را شکسته اند. وضعیت خوب نبود. نمی توانست توضیحی، چیزی بدهد. گفتم با... حرف زدم. با... حرف زدم. گفت من به خاطر کمیته پیگیری و کارگران بیکار و پرونده قبلی از من سوال می کنند. گفتم اگر در باره پرونده قبلی ازت سوال می کنند، جوابشان را نده. گفت مگر می شود با مشت و لگد اگر آدم جواب ندهد بزنندش؟ ن.ع.: پرونده قبلی شان چی بوده؟ مریم اخترپور: پرونده قبلی در باره روز جهانی کارگر بود.

ن.ع.: ایشان چه کار می کردند و شغلشان چه بود؟  
مریم اخترپور: کارگر بود. نانوا بود.

ن.ع.: گروهی داشتند یا سازمانی؟

مریم اخترپور: سازمانی؟ نخیر نداشتند. گروهی هم نداشتند. کمیته پیگیری بود فقط و پیگیری هم غیرقانونی نبود که از نظر دولت قانونی نیست. کمیته پیگیری کارگران بیکار. تشکل طرفداری نمی دانم به نظر دولت چه جرمی است. ده دوازده روز می شود از او خبری ندارم. خودم هم مریض هستم با دو تا بچه.

ن.ع.: شما خودتان چرا حالتان خوب نیست؟

مریم اخترپور: من خودم حال ندارم. باردارم. دو هفته سه هفته مانده به پایان بارداری. بچه هشت ساله هم دارم. ن.ع.: شوهر شما را در تجمع ها گرفتند؟

مریم اخترپور: در تجمع نگرفتند. او به تجمع هم اصلا کاری نداشت. ما مخالف تجمع بودیم. ساعت دو نصفه شب آمدند تو خانه ما ریختند. اول در را زدند و بعد خواستم در را باز کنم. ولی اول از پنجره نگاه کردم. پنجره را باز کردم گفتم شما کی هستید؟ گفت ما

خودمان هستیم. من هم گفتم خودمانیم، من شما را نمی شناسم. یکی از پاسدارها گفت ما ماموریم. گفتم و اسای یک لحظه لباس ها را بپوشم در را باز می کنم. مهلت ندادند در را باز کنم. از روی در و دیوار آمدند پائین و توی خانه من را گشتند و حکمی هم ندیدم دستشان چون اصلاً نمی دانستند خانه کی آمده اند. بعد هم آمدند توی خانه و کامپیوتر شوهرم را بردند و کاغذهاش را و خانه را به هم ریختند و شوهرم را هم بردند. ساعت دو نیمه شب.

ن.ع.: چه روزی بود؟

مریم اخترپور: روز شانزدهم بود.

ن.ع.: بعد از آن دیگر روز بیست و سوم با ایشان ملاقات داشتید؟

مریم اخترپور: ملاقات به روز ۲۳ بود.

ن.ع.: بعد از آن دیگر خبری ندارید از ایشان؟

مریم اخترپور: نه دیگر خبری ندارم. وقتی می روم پیش قاضی



برگرفته از سایت رادیو فردا

## شاهو امجدی زیر شکنجه اطلاعات سپاه در سنج کشته شد

طبق گزارش رسیده به کمیته کردستان شاهو امجدی در زندان بوسیله وحوش اسلامی کشته شد. او یکی از دستگیر شدگان اخیر در سنج بود که بعد از مدتها که زیر شکنجه قرار داشت جان باخت. او از همان روز اول دستگیری در ستاد ناحیه همراه دوستان زندانیانش زیر شکنجه مزدوران رژیم رفت و بعد از

تکرار شکنجه های وحشیانه در زندان جان باخت. شاهو امجدی یکی از دهها زندانی در سنج بود که از روز ۱۰ مرداد زیر شکنجه وحشیانه قرار دارند.

طبق گزارش همین منبع خبری تعدادی دیگر از زندانیان از شدت شکنجه زخمی و امکان راه رفتن را

از دست داده اند. تعدادی دیگر از دستگیر شدگان علاوه بر شکنجه جسمی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. ما اسامی و مشخصات تعدادی از زندانیان که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند را در دست داریم. اما به دلیل ملاحظات معینی فعلاً از علنی کردن اسم آنها خودداری میکنیم. یک مرد جوان که

در زندان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است قصد خودکشی داشت که با دخالت دوستانش فعلاً منصرف شده است. اما زنان و مردانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند در شرایط روحی بسیار خطرناک و بحرانی بسر میبرند.

این اتفاقات در بازداشتگاههای رژیم اسلامی در سنج هشدار دهنده است. ما همه سازمانها احزاب و جریانات مدافع حقوق انسانی را فرا میخوانیم که برای آزادی دستگیر شدگان تلاش خود را سرعت ببخشند. جمهوری اسلامی

می گوید برو پیش بازپرس. می روم پیش بازپرس، می گوید برو پیش رئیس زندان. می خواهم يك ملاقاتی بگیرم. تا اسم برهان را می برم، می گویم همسر برهان دیوارگر هستم، می گویند او يك جنایتکار است، يك خائن است. چیزی است که دستشان افتاده. سرشان را می اندازند پائین و هیچ جوابی به من نمی دهند. من از سازمان های بین المللی کار و حقوق بشر و حقوق زنان و حقوق کودکان، از همه آنها کمک می خواهم که شوهرم را آزاد کنند. از همشان کمک می خواهم. من فقط آزادی فوری شوهر خود را می خواهم. دیکه هیچی.

فریبا مودت (رادیوفردا): مریم اخترپور، اهل سقز، دو هفته است که از شوهر خود بی خبر است. او با رادیوفردا صحبت می کرد.

علاوه بر شکنجه و قربانی گرفتن مردم قصد دارد که تعدادی را رسماً اعدام کند.

این توحش اسلامی را باید جواب داد. بشریت متمدن باید در مقابل این روشهای شنیع و ضد انسانی اسلامی بایستد و جواب قاطعی بدهد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ مرداد ۸۴ - ۲۰۰۵ -  
۱۷ - ۰۸

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!